چهره جهانی اصل برائت در قوانین موضوعه کیفری و اسناد بین المللی (مستخرج از رساله)

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال هفتم)
شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۲۵-۱۳

حمید کاویانی فرد[۱]، حسین رحیمی واسکسی[۲]، عصمت السادات طباطبایی لطفی[۳]، نسرین کریمی[۴]

[۱] استادیارفقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم،دانشگاه آزاد اسلامی،قم،ایران(نویسنده مسئول)

[۲] دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم،دانشگاه آزاد اسلامی،قم،ایران

[۳] گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم،دانشگاه آزاد اسلامی،قم،ایران

[۴] گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم،دانشگاه آزاد اسلامی،قم،ایران

نویسنده مسئول:
حمید کاویانی فرد

چکیده:

اصل برائت یا اصالۀ البرائه یکی از اصول چهارگانۀ اصول عملیّه در علم اصول فقه بوده و منظور از آن، این است که در مواردی که در حکمی شک داریم، معتقد شویم که در مقام عمل موظف به آن نیستیم. طبق نظر مشهور، اصل برائت جاری می‌شود که شک حالت سابقه نداشته و یا حالت سابقۀ آن مورد لحاظ نباشد در حالی که اصل تکلیف مجهول بوده و به عبارت دیگر شک در تکلیف باشد نه مکلّفٌبه.

حکم شرعی‌ای که برای چیزی به واسطۀ اصول عملیّه، از جمله اصل برائت ثابت می‌شود جایی است که حکم واقعی آن مجهول باشد. از همین رو، این نوع حکم ثانوی را حکم ظاهری که هیچ‌گونه کاشفیتی از واقع نداشته و صرفا جهت رفع تحیر عملی مکلف وضع شده است، می‌نامند. و دلیل دالّ برآ ن را اصل عملی یا دلیل فقاهتی می‌گویند که در مقابل دلیل اجتهادی که برای اثبات حکم واقعی به کار می‌رود، قرار دارد.

از آنجا که اصل برائت به هر دو دلیل عقلی و شرعی مستظهر است لذا هر دو برائت عقلی و شرعی را در پی داشته و سابقه طولانی در تاریخ بشر دارد.

توجه به حقوق کیفری و آزادیهای فردی در قالب تاکید بر اصل برائت در رسیدگیهای کیفری داخلی و حقوق بین الملل اهمیت ویژه ای به خود گرفت.

آثار و کاربرد آن هم در دعاوی حقوقی و هم در دعاوی کیفری، چهره جهانی یافته است، به همین دلیل، آثار آن نه‌تنها در حقوق داخلی کشورها، بلکه در اسناد بین‌المللی نیز گسترده شده و ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادی‌های فردی در جامعه پیدا کرده است

کلید واژگان: اصل برائت، شک، قوانین کیفری، اسناد بین المللی، حقوق بشر

۱-مقدمه

برائت یکی از اصول مهم در مذاهب گوناگون فقهی در اصول عملیه است و آن عبارت است از نفی تکلیف از مکلّف در موارد شک در تکلیف است.

نقش اساسی این اصل، تعیین وظیفه عملی برای مکلّف در صورت شک در حکم واقعی است. اگر مکلّف پس از فحص و جستجو دلیلی نیافت، علمای علم اصول به مقتضای این اصل بر برائت ذمه و مکلّف نبودن وی حکم می کنند.

پس هرگاه مکلّف در اصل تکلیف یعنی در وجود حکم شرعی از وجوب یا حرمت شک داشته باشد، مشهور اصولیین در این مورد به اصل برائت عقلی و برائت نقلی تمسّک می جویند.

برائت عقلی به این معنی است که قطع نظر از حکم شارع در مورد واقعه مشکوک الحکم به عقل بر پایه قاعده «قبح عقاب بلا بیان» یعنی آنچه بیان نشده است مجازات کردن مکلّف زشت است یک قاعده عقلی است و برائت شرعی به این معنی است که قانونگذار اسلام در برابر تکلیف مشکوک و واقعه ی مشکوک الحکم احتیاط را لازم ندانسته و انسان را نسبت به فعل یا ترک آن مشکوک، مختار گذاشته است.

اصل برائت دو کاربرد دارد :

الف) کاربرد فقهی در تکالیف که آن اصل بیان می دارد ، هیچ تکلیفی بر هیچ فردی واجب یا حرام نشده است.

ب) کاربرد حقوقی و قانون اصل برائت به عنوان نمونه در مسأله دَین ، برائت ذمه جاری است. از همین رو در محاکم بیان می گردد که : «بیّنه برای مدعی و سوگند برای منکر است» و صرف ادّعای دَین علیه فردی ، ملاک عمل نیست.

طبق اصل ۳۷ قانون اساسی : «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود» مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

پس اثر عملی اصل برائت در حکم شرعی خواهد بود. کاربرد وآثار اصل برائت در قوانین کیفری داخلی و حقوق بین المللی و اسناد حقوق بشری ، چهره جهانی یافته است.

به عنوان نمونه : در ماده ۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در ابتدای ماده اشاره شده است که : «اصل ، برائت است» این ماده نتایج و دستاوردهای بزرگی دارد به این معنا که اقدامات دادرسی کیفری باید بر پایه بی گناهی و تبرئه شدن قرار بگیرد و این اصل از ابتدای جریان کیفری تا زمان قطعی شدن حکم محکومیت بایست ، رعایت گردد.

در کشورهای اسلامی ، اسلام از قرنها پیش این حق را برای بشر شناخته و به محاکم و مجریان قوانین توصیه کرده است تا جرم کسی در دادگاه مسلم نشود ، مجازات برای او نخواهد بود و مصونیت قانونی دارد.

ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۴۸ که ثمره تلاش کشورهای اسلامی است و از منابع اسلامی اخذ شده است درباره اصل برائت چنین می گوید : «متهم بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمین ها برای دفاع از او فراهم باشد ، ثابت گردد.»

در قانون جدید فرانسه که در ۱۷ژوئیه ۱۹۷۰ به تصویب رسیده است فرانسه مسئولیت دولت را در قبال توقیف های احتیاطی غیر موجه که منجر به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب می گردند ، پذیرفته است.

در رسیدگی های کیفری انگلیس در مورد اصل برائت چنین آمده است : در محاکم کیفری ، فرضی وجود دارد که متهم بی گناه است و وظیفه تعقیب کنندگان است که بدون هیچ گونه تردید معقولی ادلّه ای را ارائه نماید که هیات منصفه را نسبت به مجرمیت متهم متقاعد نماید (آشوری ، ۱۳۷۶ ج۲ص۱۴۷) البته فرض بر بی گناهی متهم تنها در دعاوی کیفری است ، امّا در حقوق انگلیس در مورد دعاوی مدنی یار اثبات دعاوی بر اساس توازن احتمالات است.

بنابراین اصل برائت وجوه اشتراک فراوانی با قوانین حقوقی ، اعلامیه ها و اسناد حقوق بشری دارد.

در مقاله حاضر بر آنیم که به صورت تطبیقی موضوعاتی از قبیل : تعاریف اصل و برائت، احکام و قواعد کیفری اصل برائت و اصل برائت در مقرارات بین المللی و اسناد حقوق بشری بپردازیم.

۲- اصل

۲-۱ مفهوم لغوی اصل

اصل در لغت به معنی ریشه، اساس، پی، بنیاد، منبع و نژاد آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵). اصل که جمع آن اصول است به معنای چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا می‌شود. (زبیدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴).

۲-۲ مفهوم اصطلاحی اصل

در اصطلاح اصولی «اصل چیزی است که بدون ملاحظه کشف از واقع و صرفاً برای تعیین در موقع شک و تردید، حجّت شناخته شده باشد، اعم از اینکه مثبت حکم باشد یا موضوع.» (محمدی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۲) شیخ انصاری (ره) می‌فرمایند: اصلی که مرحوم علّامه حلّی (ره) و پیروانش فرموده‌اند، معانی مختلفی دارد که عبارت‌اند از:

۱- اصل به معنای راجح و ظاهر باشد (که در ابتدا به ذهن انسان تبادر می‌کند) که مرحوم محقق ثانی آن را در جامع المقاصد به‌عنوان یکی از معانی اصل ذکر کرده و راه تحصیل آن را غلبه دانسته است؛ یعنی بیع در لزوم، ظهور دارد و منشاء این ظهور، غلبه است؛ به عبارت دیگر، از هر صد مورد بیعی که در اجتماع واقع می‌شود؛ ۹۵٪ آن لازم و ۵٪ آن جایز است.

۲- «اصل» را به معنای «قاعده مستفاد از عمومات» بدانیم که به اصاله اللزوم بازمی‌گردد که مانند اصالۀ العموم یا اصاله الاطلاق، از اصول لفظیه به شمار می‌رود. این قاعده از عموماتی، مانند (اوفوا بالعقود)، (احل الله البیع)، (لایحلّ مال امرء مسلم، اِلّا بطیب نفسه) و (المؤمنون عند شروطهم) سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین هنگام شک در لزوم و جواز بیعی، طبق «اصالۀ اللزوم» برخاسته از عمومات، حکم به لزوم آن می‌کنیم.

۳- اصل به معنای استصحاب (ابقاء ماکان) است؛ یعنی پس از انجام معامله و فسخ یکی از طرفین، شک می‌کنیم آیا مبیع از مالکیّت مشتری خارج می‌شود یا خیر؟ طبق «اصل» حکم به بقای مبیع در ملک مشتری می‌شود.

۴- معنای چهارم از «اصل» آن است که منظور از آن همان معنای لغوی اصل باشد؛ یعنی ریشه و اساس و طبع اولیه؛ بدین بیان که بیع از ریشه و اساس، به خودی خود، مقتضی لزوم است، مگر آن‌که امری مانند خیار از بیرون بر آن مترتب شود (انصاری، ۱۴۲۹، صص ۱۱۹-۱۱۷).

در اصطلاح حقوقی «اصل» در زبان حقوقی، یکی از این چهار معنی را در بردارد:

۱- ظاهر: چنانکه می‌گویند، کسی که معامله می‌کند اصل این است که برای خود او است، مگر این خلاف آن معلوم شود (ماده ۱۹۶ ق.م) یعنی ظاهر این است که به نام و به حساب خود معامله می‌کند نه به نمایندگی از طرف دیگران، یا در تعریف مدعی می‌گویند: «کسی است که گفته‌ی او برخلاف اصل است».

کلمه ظاهر در ماده ۲۵۶ قانون مدنی بدین گونه آمده است که «هرکس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است ...» و به جای آن کلمه‌ی اصل را نیز می‌توان به کاربرد.

۲- قاعده: منظور از قاعده حکم کلی است که از آن احکام جزئی به دست می‌آید و موضوع آن کار یا رویداد خاص نیست: مانند قاعده لاضرر که «اصل لاضرر» نیز گفته می‌شود. در ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی که می‌گوید «اصل برائت است...» یا در «اصل لزوم معاملات» (. ماده ۲۱۹ ق.م) همین معنی مورد نظر است. ولی خواهیم دید که «قاعده‌ی حقوقی» امروز معنی جزئی‌تری پیداکرده است.

۳- استصحاب: چنانکه ماده ۳۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می‌کند: «درصورتی که حق یا دینی بر عهده‌ی کسی ثابت شد اصل بقاء آن است مگر اینکه خلافش ثابت شود.» و مقصود اصل استصحاب است.

۴- دلیل: وقتی گفته می‌شود اصل این نظریه قانون یا عرف است، یعنی مبنا و دلیل آن از قانون و عرف گرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۶۲۶- ۶۲۵).

با توجه به معانی حقوقی فوق الاشاره چنین به نظر می‌رسد که عبارت اصل در اصل برائت، به طور کامل با معنی حقوقی قاعده مطابقت دارد و می‌توان آن را مترادف قاعده به معنای حقوقی بالا تلقی کرد. همچنین عبارت اصل، در اصل برائت با معنی لغوی آن (پی، بنیاد) مطابقت دارد.

۳- برائت

۳-۱- مفهوم لغوی برائت

واژه برائت در لغت به معنی خلاصی از عیب و تهمت، رهایی از بدهی، بیزاری از چیزی و پاک شدن است (ابن منظور، ۱۴۱۶ صص ۳۴ و ۳۱). به معنای پاکی، پاک شدن از عیب، رهایی و خلاص شدن (زبیدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰۶) رهایی، خلاصی، رهایی از شبهه، بیزاری از چیزی آمده است. (طریحی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۹۳)

۲-۳- مفهوم اصطلاحی برائت در اصول

حکم شرعی ای است که به واسطه اصول عملیّه ، از جمله اصل برائت ثابت می شود و جایی است که حکم واقعی آن مجهول باشد و هیچ گونه کاشفیتی از واقع نداشته و صرفاً جهت رفع سرگردانی عملی مکلّف وضع شده است. در حقوق کیفری طبق اصل ۳۷ قانون اساسی «هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.»

۴- اصل برائت و انواع آن

اصل برائت (اصالة البرائة) از اقسام اصول عملی است که وظیفه عملی مکلف را در مواردی که بعد از جستجو و دست‌نیافتن به دلیل، در تکلیف واقعی شک می‌نماید، تعیین نموده و به برائت ذمه او از تکلیف مشکوک حکم می‌کند؛ و در مقام عمل، مکلف را موظف به انجام آن تکلیف نمی‌داند؛ برای نمونه، هنگامی‌که مکلف پس از جستجو و دست نیافتن به دلیل، در وجوب غسل جمعه شک می‌کند، اصل برائت جاری نموده و دیگر انجام غسل جمعه بر او واجب نیست و بر انجام ندادن آن عذاب نمی‌شود. بنابراین، هرگاه در اصل تکلیف شک شود و دلیلی هم نباشد که تکلیف را برای مکلّف روشن نماید، آن تکلیف بر عهده مکلف ثابت نمی‌شود.

اصل برائت از دیدگاه دانشمندان اصول فقه دو قسم است:

۱-۴- برائت عقلی

برائت عقلی، عبارت است از این‌که به‌حکم عقل؛ مکلّف در مقام عمل هیچ وظیفه‌ای در قبال انجام تکلیف مشکوک، بعد از تحقیق و دست نیافتن به دلیل، ندارد و این برائت بر اساس قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان می‌باشد؛ زیرا به‌حکم عقل کیفر کردن کسی که بیان و دلیلی به وی در مورد تکلیفی نرسیده باشد، زشت و ناپسند است، پس مکلف مؤاخذه و عقاب نمی‌شود.

۲-۴- برائت شرعی

برائت شرعی؛ یعنی در هر مورد مشکوکی که مکلف اصل حکم واقعی را نداند، شارع مقدّس با قرار دادن حکم ظاهری، تکلیف را از دوش مکلف برمی‌دارد. دانشمندان اصول فقه، برای اثبات برائت شرعی به روایاتی تمسک نموده‌اند. (صدر، ۱۴۲۶؛ صص ۴۶-۲۹)

اصل برائت فقهی عبارت است از شک در اصل تکلیف الزامی تکلیفی که ترک یا انجام آن لازم است که به حالت سابقهٔ آن توجه نشده است که یا به صورت شبههٔ تحریمیه است یعنی حکم دائر میان حرمت و غیر وجوب است یا به صورت شبهه وجوبیه است بدین معنی که دایر میان وجوب و غیر حرمت است، در هر صورت، علت تردید نبودن دلیل، اجماع دلیل و یا تعارض دلیل‌ها است. (مظفر، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷)

۵- احکام و قواعد کیفری اصل برائت

۱-۵- تفویت اتهام با اصل برائت

یکی از مهمترین اصول و قواعد عمومی حقوق کیفری اصل برائت است. اصلی که تضمین کننده آزادی اشخاص و مانع انتساب اتهامات ناروا به افراد جامعه می‌گردد و در نهایت امنیت روانی و زندگی در آرامش را برای شهروندان به ارمغان خواهد آورد. اصل برائت به این معنی است که همه انسان ها مادامی که مجرمیت آن در جریان رسیدگی عادلانه و منصفانه در دادگاهی مطابق با قانون تشکیل نگردیده و به طور قطع و یقین اثبات و احراز نشده بی گناه محسوب می‌شوند و نتیجتاً از هر گونه تعرض مصون هستند.

اصل یا پیش فرض برائت یکی از اصول و قواعد بنیادین محاکمات جزایی است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت طلبی‌های نهادهای عمومی حمایت می‌کند پیش از اثبات تقصیر فرد در دادگاه صالح و به موجب قانون، هر نوع اظهار نظر مقامات عمومی پیرامون مسئولیت و مجرمیت وی نقض پیش فرض مورد بحث تلقی می‌شود. قلمرو اجرای اصل برائت به مرحله اثبات تقصیر متهم محدود می‌شود، بنابراین به مرحله تعیین نوع یا میزان مجازات پس از اثبات مجرمیت تعمیم پیدا نمی کند. اصل برائت مانع تأثیر سوابق و ویژگی‌های فردی مرتکب و کیفیت ارتکاب جرم در تعیین مجازات فردی که مجرمیت وی با رعایت قانون در دادگاه صالح اثبات شده نخواهد بود. (بهرامی، ۱۳۹۱، ش ۲۱، ص ۳۷). پس با اصل برائت اتهام انتسابی بدون دلیل از بین می رود.

از سوی دیگر باید دانست که تحقیق مراجع صالح و اخذ تدابیر و تأمینات قانونی پس از توجه اتهام، هر اندازه که برای متهم ایجاد محدودیت کند، نقض اصل یا پیش فرض برائت نخواهد بود. نهادهای ناظر اجرای حقوق بشر موردی نظیر موارد زیر را مغایر با مفاد بند ۲ ماده (۱۴) میثاق یا بند ۲ ماده (۶) کنوانسیون اروپایی ندانسته اند:

دست بند زدن به متهم در مراحل مختلف رسیدگی حتی در برابر هیأت منصفه؛

انجام آزمایش‌های پزشکی لازم بر روی متهم؛
سنجش میزان الکل موجود در خون متهم؛
گرفتن عکس یا اثر انگشت متهم یا هر نوع مدرک مربوط به هویت او و بایگانی کردن آن؛
استفاده از وقایع موجود در محاکمات دیگر و نتایج حاصله از آنها علیه متهم؛
اعلام این که فرد یا افرادی در ارتباط با ارتکاب جرم خاصی دستگیر شده اند یا این که افراد خاصی مظنون به ارتکاب جرم مورد نظر هستند؛
اعلام عمومی جریان تحقیقات و بازجویی‌های اولیه حتی اعلام این که فرد یا افراد خاصی به ارتکاب جرم مورد نظر اعتراف کرده اند. (بهرامی، ۱۳۹۱، ش ۲۱، ص ۳۸)

در ماده ۴ ق. آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در ابتدای ماده اشاره شده است که: «اصل، برائت است». ذکر این ماده نتایج و دستاوردهای بزرگی دارد به این معنا که اقدامات دادرسی کیفری باید بر پایه بی گناهی و تبرئه شدن قرار بگیرد و این اصل از ابتدای جریان کیفری تا زمان قطعی شدن حکم محکومیت بایست رعایت گردد.

۲-۵- تفسیر شک به نفع متهم با اجرای اصل برائت

اصولاً شک در دو مقام قابل تصور است:

- شک در اراده قانون‌گذار؛
- شک در اثبات جرم.

هرگاه قانون صریح و روشن باشد، قاضی موظف است، به منطوق آن و آن‌چه به‌طور صریح و منجز بیان شده است، توجه نماید و منظور مقنن را از همان کلمات بیان شده استخراج نماید و به آن عمل کند. ولی هرگاه متن قانون صریح و روشن نباشد، باید بکوشد اراده واقعی مقنن را کشف نموده و به‌این‌ترتیب قانون هم‌آهنگ سایر امور اجتماعی به جلو رفته و از تحریک لازم برخوردار خواهد شد. (محسنی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۷) وانگهی، اصطلاح شک به نفع متهم تفسیر می‌شود، در تفسیر قوانین فاقد ارزش است؛ در موارد شک در ارادهٔ قانون‌گذار دلیل ندارد که قاضی همواره راه‌حل مساعد به نفع متهم را برگزیند، بلکه باید بکوشد اراده پدید آورندهٔ قانون را کشف کند و فقط هنگامی می‌تواند قانون را به نفع متهم تفسیر کند که از جستجوی خود مأیوس گردد. در واقع تأثیر این شک در مواردی است که دلیلی علیه متهم در دست نبوده و یا ادله جرم کافی نیست، چندان که نتوان به استناد آن متهم را محکوم کرد، که به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی‌کیفری[1] ناگزیر باید حکم به برائت او داد.

اصل تفسیر به نفع متهم نیز اصلی عملی است و مجرای آن نیز شک می‌باشد. رابطه این اصل با اصل تفسیر مضیق از لحاظ منطقی، عموم و خصوص من‌وجه است و مبنای این اصل هم اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است که خود ریشه در اصل برائت دارد. نزدیکی تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق تا حدی است که برخی تفسیر مضیق را تفسیر به نفع متهم تعریف کرده‌اند. (شامبیاتی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۷) با تمسک به اصل برائت، در می‌یابیم که همواره هنگام شک در حرمت یا وجوب تکلیفی در شبهات حکمیه و یا موضوعیه در صورت فقدان دلیل یا اماره معتبر برای خروج از شک، اصل را بر عدم تکلیف می‌گذاریم. (خاموشی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲) در واقع منظور از اصل برائت در حقوق کیفری همان فرض بی‌گناه شناختن هر متهمی است، تا زمانی که حکم قطعی به مجرم بودن وی صادر گردد. (توحیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴)

قلمرو فرض برائت به هیچ‌وجه منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم نخواهد بود و در واقع فرض برائت یعنی استمرار بخشیدن به آثار حفظ کرامت انسانی و مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض است. مگر به واسطهٔ وجود یک محکومیت قطعی، قانونی، لازم الاجرا؛ زیرا که مجموعهٔ اجزای یک نظام قضائی، اداری و اجتماعی در جهت حاکمیت بخشیدن به اصل مصونیت افراد از هرگونه تعرض، تلاشی هماهنگ دارند. (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱) از آن‌جا که برخی جرایم موجب ورود صدمات شدیدی به جامعه شده و از سوی دیگر اثبات این جرایم از جانب دادستان یا دادگاه به سبب پیچیدگی‌های خاص آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ در چنین مواقعی به منظور جلوگیری از فرار مجرمان واقعی از چنگال عدالت، اماره مجرمیت صرفاً به منظور تعقیب متهم برای انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه بر اصل برائت

---

[1]. ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد که «پس از ارجاع پرونده به شعبه دادگاه و عدم نیاز به تحقیق و یا اقدام دیگر دادگاه به شرح زیر عمل می‌نماید،
الف) چنانچه اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی به وی جرم نباشد دادگاه اقدام به صدور رأی برائت و یا قرار منع تعقیب می‌نماید...»

مقدم می‌گردد؛ که از جمله این جرایم، جرایم علیه امنیت و جرایم علیه بشـریت (جرایم جنگی) می‌باشـد. (سـرمسـت بناب، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴). پس شکی که به سود متهم تفسیر شود و ادلّه و براهینی هم در این زمینه وجود نداشته باشد ، اصل برائت جاری است.

۳-۵- اصل قانونی بودن جرم و مجازات و جایگاه اصل برائت

در واقع جوامع بشری برای رسیدن به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده‌اند. قتل‌ها، شکنجه‌ها و ظلم‌های زیادی را از ناحیه حکم‌رلنان، ظالمین و طاغوت‌ها تحمل کرده‌لند و نتیجه آن مبارزات در مقلبل خودکامگی قضـــات و حاکمان ظالم، تن دادن آنان به تبیین جرایم و مجازات بوده است، که در اصل قانونی بودن جرم و مجازات متبلور است. (خاموشی، ۱۳۸۵، ص ۳۰)

از دسـتاوردهای مهم اصـل قانونی بودن جرم و مجازات این اسـت که قضـات و حاکمان را از خودکامگی، خودمحوری و اجرای عدالت به تشخیص خود باز داشته و موجب می‌شود که قانون محور اعمال حاکمیت قضائی قرار گیرد و از سوی دیگر جامعه بشری و افراد حاضر در آن، از اعمال مجرمانهٔ اعم از فعل یاترک فعل آگاهی یابند. (حسـینی، ۱۳۸۳، ص ۳۳) از دیگر نتایج اصـل مذکور ایجاد دو قاعده مهم زیر است:

- عطف به‌ماسبق نشدن قوانین جزایی
- تفسیرمضیق قوانین جزایی

به‌این شـرح که قوانین جزایی به‌خصـوص قوانین ماهوی جز در موارد خاص عطف به‌ماسـبق نمی‌شـوند و نیز در صـورت لزوم تفسـیر قوانین به جهت سـکوت، اجمال، ابهام و یا تعارض قوانین، تفسیر باید محدود به متن قانونی معین باشد و به صورت مضیق تفسیر شوند، زیرا قاضی در امور کیفری با جان، عرض، شرف و آزادی افراد روبه‌رو است، به علاوه قاعدهٔ درء (رفع اتهام انتسابی) مانع از آن می‌شود که قاضی از محدودهٔ نظر مقنن فراتر رفته و دایرهٔ شمول قوانین جزایی را در مواردی که موردنظر قانون‌گذار نبوده است، تعمیم دهد. بلکه باید در همان محدوده به تفسیر قوانین جزایی بپردازد؛ که هر دو این نتایج در جهت تحصیل منافع متهم خواهد بود. (معتمد، ۱۳۵۱، ص ۱۶۸) .دو قاعده مذکور در حقیقت مفسّر اصل برائت اند.

۴-۵- اصل تفسیر مضیق به نفع متهم با مدد اصل برائت

دانشـمندان و علمای حقوق جزا برحسب عقاید و افکار اجتماعی و سیاسـی خود و مکتبی که به آن تعلق دارند، نظریات و روشـهای گوناگون را در تفسـیر قانون بیان داشته‌اند. آنان که نظریات آزادیخواهانه داشته، منافع فرد را بر ملاحظات سیاسی و اجتماعی ترجیح می دهند، درمورد تفسیرقانون جزا بسیار محتاط بوده، معتقدند قاضـی نباید از چارچوب اصـل قانونی بودن جرایم ومجازاتها ومحدودهای که قانون تعیین نموده، فراتر رود .اینان طرفدار تفسـیر مضـیق درحقوق جزا هسـتند. برعکس عده ای دیگریکه منافع جامعه و دولت را برمنافع و آزادی های فردی مقدم می دارند، معتقدندکه هدف از قانون حفظ نظم اجتماعی اسـت. از این رو هرگاه این نظم به مخاطره افتد، قاضـی باید با مقایسـه اعمال اتفاق افتاده، باجرایم پیش بینی شـده در قانون، برای مرتکبان مجازات تعیین کند .این عده، طرفدار تفسیر از طریق قیاس هستند .پاره ای دیگر حد وسطی را در نظرگرفته، معتقدندکه باید در تفسیر قانون جزا، ازحد وسطی پیروی کرد و به این ترتیب تفسیر موسع متون کیفری را مطلوب می‌پندارند. (محسنی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۴۶)

قدیم ترین سبک و روشی که در تفسیر قوانین کیفری وجود دارد و آن را باید از نتایج اصل، قانونی بودن جرایم و مجازاتها دانست، تفسیر مضیق است. هرگاه دامنه اجرای قانون، محدود به قدر متیقن از منطوق حکم شود، یعنی حکم، محدود به موردی گردد که در متن قانون تصریح شده است، آن تفسیر را مضیق گویند. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۳۹)

قاضـی در این شـیوه از تفسـیر، در بند الفاظ و کلمات قانونی گرفتار است و نمی تواند به اسـتناد روح قانون عمل کند .طرفداران این روش تفسیر، ضمن آنکه آنرا با اصل تفکیک قوا هماهنگ می‌دانند، تحقق بخش عدالت کیفری‌اش به شمار می‌آورند .براساس این روش تفسیر، در مواردی که قانون، صـریح و روشـن نیسـت، باید آنرا به نفع متهم تعبیر و تفسـیر و از محکوم کردن وی، خودداری نمود، چه آنکه اجرای تفسیرمضیق، بی‌تردید عادلانه است و در حقیقت اصل برائت جاری می گردد.

ممکن اسـت قاضـی در مواردی با تفسـیر موسـع و دریافت روح قانون، ره به صـواب پیماید، ولی بی تردید در مواردی نیز بی‌گناهی، متحمل مجازات می‌گردد که این امر نابخشـودنی اسـت، از این رو به منظورتأمین حقوق متهم و تحقق عدالت، ناگزیر باید به تفسـیرمضـیق متون کیفری پایبند بود .تفسیر مضیق قوانین کیفری ممکن است سبب شود که مجرمی واقعی مشمول قانون نشود و از کیفر معاف گردد، ولی تبرئه او مسـلماً بهتر از آن اسـت که با تفسـیر موسـع، متهمی بیگناه مجازات گردد، چه آنکه با کیفربی‌گناه، عدالت مخدوش می‌گردد. (قربانی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱). بنابراین تا آنجایی که امکان دارد اصـل برائت را باید به سـود متهم (در صـورت نبودن براهین کافی) تفسـیر کرد.

۶- اصل برائت در مقررات بین المللی و اسناد حقوق بشری

۶-۱ مرحله کشف جرم

برای کشف جرم لازم است افراد تحت نظر قرار گرفته، مورد تفتیش و کنترل واقع شوند. از آثار اصل برائت این است که با افراد تا اثبات جرم در یک دادگاه صالح، مانند سایر شهروندان برخورد شود. لذا توقیف وتفتیش‌اشخاص، مغایر با اصل برائت است و باید تابع تشریفات خاصی باشد.

اصل «منع توقیف‌اشخاص» در اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد: «احدی را نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.» در ماده ۳ این اعلامیه نیز آمده است: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». هم‌چنین منع بازرسی و تجسس در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به این شرح به رسمیت شناخته شده است: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌ی خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قرار گیرد.» طبق ماده ۱۳ هر کس حق دارد در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید. در این مواد اصول منع تجسس، منع توقیف و منع کنترل هویت اشخاص به رسمیت شناخته‌اند و این اصول باید در مرحله‌ی کشف جرم رعایت شوند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز برخی آثار اصل برائت را در مرحله‌ی کشف جرم مورد توجه قرار داده است. بر اساس ماده ۹ میثاق «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت نمود. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر و به حکم قانون». ماده ۱۷ میثاق نیز منع بازرسی و تجسس را مورد شناسایی قرار داده است.

اعلامیه‌ی اسلامی‌حقوق بشر قاهره مصوب ۱۴۱۱ ه.ق در ماده ۱۸ اعلام می‌دارد: «هر انسانی حق دارد نسبت به جان، دین، خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند. و در امور خصوصی خود استقلال داشته باشد. جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست، مسکن درهر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد،» این اعلامیه در ماده ۲۰، منع دستگیری یا محدود ساختن آزادی افراد را مگر به مقتضای شرع مورد تأیید قرار داده است.

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰ میلادی نیز مواردی را که به اقتضای اصل برائت بایستی در مرحله کشف جرم، بازرسی، توقیف، دستگیری و کنترل هویت اشخاص مورد رعایت قرار گیرد، بیان نموده است. طبق ماده ۵ کنوانسیون هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ‌کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در موارد مقرر طبق قانون. کنوانسیون مزبور هم‌چنین در خصوص اصل منع تجسس و بازرسی افراد در ماده ۸ مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد حرمت زندگی خصوصی و مکاتبات وی حفظ شود.» بند ۲ این ماده، بازرسی و تجسس را فقط طبق قانون و زمانی‌که امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاق، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران اقتضاء می‌کند، جایز شمرده است.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ نیز دربرگیرنده اصولی در مرحله‌ی کشف جرم است. براساس بند ۱ ماده ۵ این کنوانسیون «هرکس حق دارد تمامیت جسمی، روانی و اخلاقی‌اش محترم باشد.» هم‌چنین در ماده ۷ مقرر شده است: از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی بدنی نمود مگر به دلایل و بر اساس شرایط از پیش تعیین شده به موجب قانون اساسی کشور مربوط یا بر اساس قانونی که طبق قانون اساسی وضع شده باشد.

منشور آفریقایی حقوق بشر مصوب ۱۹۸۱ نیز اصولی مشابه سایر اسناد برای جرم در نظر گرفته است که از آن جمله می‌توان به ماده ۴ اشاره کرد.

براساس مواد فوق، کنترل هویت، بازرسی و توقیف‌اشخاص، مغایر حق آزادی و امنیت شخصی است و بایستی در مواقع لزوم بازرسی و کنترل هویت‌اشخاص یاتوقیف افراد، تشریفاتی را مطابق با اصل برائت رعایت نمود.

اما مهمترین سند بین المللی در این خصوص اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (اساسنامه رم) ۱۹۹۸ است. بر اساس بند یک ماده ۵۴ اساسنامه دادستان باید به منظور کشف واقع، به هنگام تحقیق، تمامی‌وقایع و ادله‌ی مربوط را در نظر بگیرد، به نحوی که بتواند مشخص کند که آیا اساساً مسؤولیت کیفری موضوع مقررات این اساسنامه تحقق یافته است یا خیر. اگرپاسخ مثبت است، اوضاع واحوال و قرائن له و علیه متهمین را بی‌طرفانه مورد تحقیق قرار دهد. و بالاخره حقوق اشخاص را که ناشی از مقررات این اساسنامه است، محترم شمارد». دیوان کیفری بین المللی خود را به آیین دادرسی ملی که ممکن است حقوق اساسی افراد را نقض کند، منحصر نمی‌کند و در صورت ناتوانی نظام‌های ملی از تأمین حقوق افراد صلاحیت تکمیلی خود را اعمال می‌کند، (شبث، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱). به موجب ماده ۵۵ اساسنامه، در جریان تحقیق، اشخاص نباید تحت اجبار، اکراه، تهدید، شکنجه و یا هر رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز یا مجازات تأدیبی قرار گیرند و می‌توانند از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره‌مند شوند. افراد نباید خودسرانه و بدون جهت دستگیر و بازداشت شوند مگر مطابق

جهات و ترتیباتی که در اساسنامه مقرر است. یک فرد مظنون به ارتکابی که از جرایم تحت صلاحیت دیوان حق دارد که پیش از بازجویی ازحقوق خاص خود مطلع شود، (همان، ص ۱۴۲).

نگاهی به اسناد بین المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مرتبط با اصل برائت نشان می‌دهد که انجام این مراحل بایستی تابع تشریفاتی باشند. منظور از تشریفات بازرسی این است که مأموران صلاحیت‌دار نمی‌توانند به هر نحو که مایل باشند و هر زمان که بخواهند مبادرت به بازرسی کنند این الزام ناشی از اصل قانونی بودن طرز رسیدگی و نیز اصل برائت می‌باشد که به موجب آن، حقوق‌اشخاص در قبال خودسری کارکنان دولت مورد حمایت و صیانت قرار می‌گیرد، (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴).

۲-۶- در مرحله تعقیب

در مرحله‌ی تعقیب بایستی از معرفی شخص تحت تعقیب به عنوان مجرم تا اثبات اتهام او در یک دادگاه صالح خودداری گردد و بسیاری از حقوق و امتیازات نیز برای متهم به رسمیت شناخته شده است. انتشار عکس‌اشخاص تحت تعقیب ممنوع است.

ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالح را دارد.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده ۹ اعلام می‌دارد که هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. هرکس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیرشدن از جهات آن مطلع شود.

باید در اسرع وقت او را در محضر دادرسی یا هرمقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد، حاضرنمود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند، نبایستی یک قانون کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی شود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی و اجرای حکم تأمین نماید. کسی که از آزادی محروم می‌شود حق دارد به دادگاه تظلم نماید و دادگاه باید بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهارنظر کند و در غیر این صورت حکم آزادی او را صادر نماید و بالاخره هرکس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شود، حق مطالبه خسارت را خواهد داشت.

براساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، فرد مظنون به ارتکابِ یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان حق دارد تا پیش از بازجویی از حقوق خاص خود شامل؛ حق اطلاع از این‌که او مظنون به ارتکاب جرم است، حق اختیار سکوت بدون آن‌که این سکوت به هنگام محاکمه دلیلی بر مجرمیت یا بی‌گناهی او تلقی شود، حقِ بر خورداری از مساعدت‌های قانونی و حق بازجویی در حضور وکیل مگر آن‌که خود او از این حق صرف نظر کرده باشد، مطلع شود. مطابق ماده ۶۹ اساسنامه نقض این قواعد موجب می‌شود، دیوان اقراری را که در نتیجه‌ی آن حاصل شده است، از زمره ادله خارج کند. تضمینات مربوط به حقوق اساسی، حق دریافت فوری و بی‌درنگ اطلاعات مربوط به علل دستگیری خود و اتهاماتی که علیه او مطرح است و حق محاکمه شدن بدون تأخیرازحقوق مظنون است که مورد توجه اساسنامه‌ی رم قرار گرفته است.

درباره نحوه دادن اطلاعات مورد بحث به مظنون، قاعده و ضابطه خاصی وجود ندارد اما نیازی به اطلاع کتبی نیست. هم‌چنین اطلاعات مربوطه ممکن است تدریجاً در اختیار او قرارداده شود؛ مشروط بر این‌که به صورت فوری و بی‌درنگ ارائه شود. قضاوت در مورد رعایت یا عدم رعایت این دستور باید در هر مورد به طور جداگانه صورت پذیرد. علاوه بر این، مظنون حق دارد برای رسیدگی مجدد به لزوم یا عدم لزوم توقیف خویش به یک مقام قضایی بی‌طرف مراجعه نماید؛ این همان امری است که در نظام حقوقی کامن‌لاو به حق شکایت بر اساس قرار احضار زندانی[1] مشهور است. براساس یکی از اصول پذیرفته شده و تثبیت شده قواعد بین المللی حقوق بشر، بازداشت پیش از محاکمه، مادام که از محدوده زمانی معقولی تجاوز نکند، از نظر حقوقی مجاز است. (گیتی شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۵۳۴)

فرض بی‌گناهی متهم تا زمانی‌که جرم به اثبات نرسیده است، پایه و شالوده نظام دادرسی کیفری را تشکیل می‌دهد. از این رو تأخیر بی‌جهت در رسیدگی و یا بازداشت توجیه ناپذیر مظنون، تیری است که قلب دستگاه دادرسی را نشانه می‌رود.

بنابر ماده ۵۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، شخصی که بنا به درخواست دادستان دیوان، دستگیر می‌شود، بایستی بلافاصله نزد مقام قضایی صالح کشور محل بازداشت آورده شده و مقام مذکور، براساس حقوق کشور خویش رسیدگی کرده و از جمله مشخص نماید که آیا حقوق شخص مزبور رعایت شده است یا نه؟ چنین شخصی ضمناً حق خواهد داشت به مقام صالح در کشور محل بازداشت مراجعه و درخواست کند تا زمان تعیین تکلیف تحویل یا عدم تحویل به دیوان، موقتاً آزاد باشد.

بر اساس ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مزبور، هرکس دستگیر می‌شود باید فوراً دلایل دستگیری و اتهام علیه او به زبانی که درک می‌کند به وی تفهیم شود و فوراً نزد قاضی یا مقامی برده شودکه به موجب قانون مجاز به اعمال قدرت قضایی است و حق خواهد داشت که

---

[1]. HABEAS CORPUSاین قرار به منظور رسیدگی به این که بازداشت وی طبق قانون صورت گرفته یا خیر، صادر می‌شود.

ظرف مدت معقولی محاکمه یا تا زمان محاکمه آزاد شود و دعوایی اقامه کند که به موجب آن در خصوص قانونی بودن یا نبودن بازداشت وی در دادگاه سریعاً اتخاذ تصمیم شود و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت، حکم آزادی وی صادر شود. هرکس که قربانی دستگیری یا بازداشت بر خلاف مفاد این ماده (ماده ۵) شده باشد، حق درخواست جبران خسارت را خواهد داشت.
کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را قواعد مشابه در ماده ۷ آورده است و منشور آفریقایی حقوق بشر نیز در ماده ۶ به همین ضرورت‌ها اشاره کرده است.

۶-۳ مرحله دادرسی

مهم ترین آثار اصل برائت در مرحله‌ی دادرسی عبارتند از: اطلاع فوری از اتهام انتسابی، تضمین حق دفاع متهم، تضمین حق سکوت متهم، تکلیف شاکی یا مدعی العموم به ارائه دلیل، رعایت اصل برابری در مقابل قانون و دادگاه، تفسیر شک به نفع متهم، حق دسترسی به پرونده اتهامی و اطلاع از کلیه دلایل تحصیل شده علیه او، حق برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی قبل از صدور حکم قطعی و لازم الاجراء، عدم نیاز به اثبات بی‌گناهی توسط متهم، حق ارائه‌ی آخرین دفاع، حق اعتراض به قرارها و احکام صادره قبل از قطعی شدن آن‌ها، لزوم تفکیک سیستم بازداشتگاه‌های موقت از زندان‌ها حق اعتراض به حکم در مرجع بالاتر.
ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق رسیدگی به دعوای افراد به‌وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف را به طور منصفانه و علنی مورد توجه قرار داده و اعلام می‌نماید که فقط چنین دادگاهی حق تصمیم گیری درباره اتهام جزایی افراد را دارد. هم‌چنین براساس ماده ۱۱ اعلامیه، رسیدگی به دعوای عمومی و اتهام افراد بایستی با رعایت کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع انجام شود. هم‌چنین هیچ‌کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یابین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد.
میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده ۱۴ به طور روشن اصول یک دادرسی عادلانه را ترسیم نموده است. همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند و هرکس حق دارد که به دادخواهی او به‌طور منصفانه و علنی، در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف که طبق قانون تشکیل شده، رسیدگی شود. میثاق، یک استثنا برحق محاکمه علنی واردکرده واعلام می‌نماید که امکان دارد در تمام یا قسمتی از دادرسی، به جهات اخلاق حسنه، نظم عمومی‌یا امنیت ملی در یک جامعه‌ی دموکراتیک یا به اقتضای مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی یا به لحاظ اضرار ناشی از علنی بودن جلسات نسبت به مصالح دادگستری، تصمیم به سری بودن محاکمه گرفته شود. علیهذا میثاق تأکید می‌کند که حکم صادره در امور کیفری به هر حال علنی خواهد بود.
براساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق هرکس متهم به ارتکاب جرمی‌بشود با رعایت تساوی کامل حقوق، وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود را داشته باشد. بدون تأخیر غیرموجه درباره‌ی او قضاوت می‌شود. در محاکمه حاضر شود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین شود. درصورت عجز او از پرداخت حق الوکاله، معاضدت شود می‌تواند از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال کند یا بخواهد از آن‌ها سؤالاتی شود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار کنند و از آن‌ها سؤال شود. اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناً به او کمک کند. مجبور نشود علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.
اعلامیه اسلامی‌حقوق بشر قاهره نیز در بند (هـ) ماده ۱۹ از محاکمه‌ی عادلانه نام برده و اعلام نموده که بایستی همه تضمین‌ها برای دفاع از متهم در دادگاه فراهم گردد.
کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز در ماده ۶ به همین تضمین‌ها اشاره کرده است و هم‌چنین است ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر که دادرسی عادلانه را به عنوان یکی از آثار مهم اصل برائت تأیید نموده است. منشور آفریقایی حقوق بشر نیز برخی اصول دادرسی عادلانه ازجمله حق دفاع، حق محاکمه ظرف مدت معقول در یک دادگاه مستقل، حق دادخواهی در مراجع ملی صلاحیت‌دار را در ماده ۷ گنجانده است.

۶-۴ مرحله صدور حکم

غیر قطعی بودن، حکم حق اعتراض و پژوهش خواهی نسبت به حکم صادره منع محاکمه‌ی مضاعف از حقوق شخص در مرحله‌ی صدور حکم است.
بر اساس بند ۵ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی «هر کس به ارتکاب جرمی‌محکوم شود، حق دارد اعلام مجرمیت ومحکومیت او به وسیله یک دادگاه عالی‌تری طبق قانون مورد رسیدگی واقع شود». این بند در واقع حق پژوهش خواهی و اعتراض متهم به حکم صادره توسط دادگاه بدوی را مورد توجه قرار داده است. بند ۶ این ماده اعلام می‌نماید، «هرگاه حکم قطعی محکومیت کیفری کسی بعداً نقض

شود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف کرده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و در نتیجه مورد عفو قرار گیرد، شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده است، استحقاق دارد خسارات او طبق قانون جبران بشود مگر این‌که ثابت شود عدم افشای به موقع حقیقت مکتوم، کلاً یا جزاً منتسب به خود او بوده است» بند ۷ ماده ۱۴ میثاق نیز منع تعقیب و محاکمه‌ی مجدد متهم را مورد توجه قرار داده و اعلام می‌نماید که هیچ‌کس را نمی‌توان برای جرمی‌که به علت آن به موجب حکم قطعی صادره برطبق آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر حق پژوهش خواهی از حکم به دادگاه عالی را در ماده ۸ مورد توجه قرار داده و حق منع محاکمه‌ی مجدد را تأیید کرده است. ماده ۹ کنوانسیون مذکور عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری را به عنوان یکی از آثار اصل برائت در مرحله صدور حکم، بیان نموده است و ماده ۱۰ نیز اعلام می‌نماید که هرکس در صورتی که با حکم قطعی مبنی براشتباه متحمل مجازات شده باشد، استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران شود.

اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین المللی نیز در ماده ۲۰، به عدم جواز دوبار محاکمه دوباره برای یک جرم تصریح نموده و طبق بند ۳ ماده ۴۷ اساسنامه، قضات بایستی تلاش نمایند که رأی دادگاه به اتفاق آراء صادر شود و در صورت حاصل نشدن اتفاق آراء، صدور رأی با اکثریت خواهد بود. هم چنین براساس ماده ۸۱ اساسنامه، متهم حق تجدید نظرخواهی نسبت به تصمیمات مبنی بر محکومیت یا مجازات از سوی دیوان را دارد.

خلاصه این که اصل برائت به عنوان یکی از اساسی ترین أصول در کشورهای پیشرفته در قوانین اساسی و قوانین آئین دادرسی کیفری آن ها پذیرفته شده است. از طرفی اصل برائت به معنی حقوقی با آنچه که در فقه اسلامی مورد بحث می باشد متفاوت است. اگر چه در بعضی جهات با هم شباهت هایی دارند. اصل برائتی که در مباحث حقوقی مطرح است نقطه مقابل اصل مجرمیت است. بدین معنی که اصل بر تبرئه و بی گناهی متهم فرض می شود مگر این که خلاف آن ثابت شود و چون مجرمیت متهم خلاف اصل می باشد اثبات آن به عهده مدعی خواهد بود اما برائتی که در مباحث فقهی و اصولی مطرح است به معنی برائت از تکلیف می باشد. از طرفی آثار و نتایج این دو اصل(حقوقی، فقهی و اصولی) با هم متفاوت می باشد و در قانون ما محدوده اش وسیع است یعنی مبنای حجیت اصل برائت در قانون اساسی و قانون جزا و قانون مدنی مطرح شده است. از طرفی قاضی حق اعمال این اصل را به طور مطلق نداشته، بلکه طبق شرایطی قاضی حق اعمال آن را دارد. ضوابط قانونی اصل برائت را می توان بر قوانین ملی کشورها و قوانین بین المللی جست و جو نمود که این گاهی در جهت بین المللی کردن رعایت حقوق متهمین می باشد.

۷- نتیجه‌گیری

فقیه یا حقوقدان وظیفه دارد تا آن جا که ممکن است احکام شرعی و حقوقی را از راه دلایل معتبر به دست آورد. اما گاهی چنین امکانی وجودندارد و از طرفی نمی توان مردم را بلاتکلیف گذاشت. أصول عملیه جایگاه مهمی در ادله اثبات دعاوی دارند و بر خلاف فقه که کاربرد آن در استنباط و احکام شرعی می باشد.

موضوع اصل برائت «شک در تکلیف» است که مفاد آن این است که هرگاه مکلف در مورد تکلیف واقعی از جهت حرمت یا وجوب، تردید کند و دلیلی از سوی شارع وجود نداشته باشد، اعم از اینکه شبهه حکمیّه یا شبهه موضوعیه باشد، اصل این است که ذمهٔ مکلف مبرا است و در چنین صورتی ارتکاب به آن عقلاً جایز است.

اصولیین اصل برائت را بر دو قسم می‌دانند: ۱ ـ برائت عقلی، ۲ ـ برائت شرعی. برائت عقلی، حکم عقل بر برائت بر اساس قاعده عملی «قبح عقاب بلابیان» و برائت شرعی، حکم شارع بر برائت است که مکلف را در موارد مشتبه و مشکوک یاری نموده و انجام فعل و یا ترک آن و به طور کلی الزام آن را از عهده او برمی‌دارد و برائت شرعی بر دو پاسخ کتاب و سنت استوار است.

اصل برائت یکی از اصول مسلم و مورد نظر فقهای اسلامی است .اصل برائت را به دلیل کاربردی که در دعاوی دارد «اصل عملی» و به دلیل مهارتی که فقها و حقوقدانان در تمهید و اجرای آنها به کار می‌برند «اصول فقاهتی» می‌نامند. حکمی که در نتیجه اعمال اصل برائت به دست می‌آید حکم ظاهری است و توان مقابله با دلیل را که کاشف از واقع است ندارد .اصل برائت، هم در دعاوی حقوقی و هم در دعاوی کیفری، چهره جهانی یافته، نه تنها در حقوق داخلی کشورها، بلکه در اسناد بین المللی نیز از جایگاه ممتازی برخوردار است.

در یک دعوای کیفری متهم تکلیفی بر اثبات بی گناهی خود ندارد و بر دادسرا، به نمایندگی از سوی جامعه و یا شاکی خصوصی است که نقض مقررات از سوی متهم را به اثبات رساند، پس اصل بر بی گناهی متهم است.

هرچند معنای مستفاد از برائت در حقوق جزا و اصل ۳۷ قانون اساسی و حتی قوانین مدنی شباهت‌های با اصل برائت اصولی دارد ولی این به معنای اتحاد آنها نیست بلکه اصل برائت اصولی یک اصل عملی در مقام یافتن حکم شرعی به وسیله مجتهد در زمان شک در تکلیف است ولی برائت مذکور در مواد قانونی به یک قاعده قضایی اشاره دارد. اصل برائت در بسیاری از متون حقوقی به مناسبت‌های گوناگون اعمال شده است، در رویهٔ قضایی و نظریه‌های حقوقی نیز چندان بکار رفته که می‌توان ادعا نمود که هیچ تردیدی در اعتبار «اصل برائت» وجود ندارد، همان طوری که اصل ۳۷ قانون اساسی مواد ۲ و ۳ قانون مدنی (قبح عقاب بلابیان) این مسئله را اثبات می‌نماید، اصل برائت یکی از اساسی ترین اصول در کشورهای پیشرفته جهان است که در حقوق اساسی و قوانین آیین دادرسی کیفری آنها پذیرفته شده است. بنابراین کنترل هویت ، بازرسی و توقیف اشخاص ، مغایر آزادی و امنیت شخصی است و بایستی در مواقع لزوم تشریفاتی را مطابق با اصل برائت رعایت نمود.

فهرست منابع و مآخذ

الف: منابع فارسی

۱. آشوری، محمد، ۱۳۷۶، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۱و۲، چاپ نهم، نشر سمت
۲. بهرامی، بهرام، ۱۳۹۱، **بایسته‌های ادله اثبات**، انتشارات نگاه بینه، چاپ سوم.
۳. توحیدی، احمدرضا،۱۳۸۶، **تأملی در اصول کلی نظام**، قم: نشر معارف
۴. حسینی، محمد، ۱۳۸۳، **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت
۵. حیدری، علی نقی، ۱۳۸۸، **اصول استنباط**، ترجمه زراعت، ناشر حقوق اسلامی، چاپ دوم
۶. خاموشی، مهدی، ۱۳۸۵، **بررسی فقهی حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها**، تهران: انتشارات امیر کبیر
۷. سرمست بناب، باقر، ۱۳۸۷، **اصل برائت در حقوق کیفری**، تهران: نشر دادگستر
۸. شامبیاتی، هوشنگ،۱۳۷۲، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارت پاژنگ.
۹. شریعتی، سعید، قانی، حسین،۱۳۹۲، **اصول فقه کاربردی**، انتشارات قم، چاپ اول.
۱۰. شریفی، محسن، ۱۳۸۰، «**ژرف نگری پیرامون مکانیسم‌های تضمین کننده حقوق و آزادی‌های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه‌های حقوق بشر**»، مجله حقوقی دادگستر، ش ۸۸.
۱۱. قربانی‌نیا، ناصر، ۱۳۸۱، **عدالت حقوقی**، نشر موسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول
۱۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰، **اثبات و دلیل اثبات**، چ ۱، تهران انتشارات میزان
۱۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، **حقوق مدنی ــ قواعد عمومی قراردادها**، نشر سهامی انتشار، تهران.
۱۴. لطفی، سیروس، ۱۳۷۹، **اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران**، رساله کارشناسی ارشد تهران مرکز
۱۵. محسنی، مرتضی،۱۳۶۵، **دوره حقوق جزای عمومی**، تهران: دانشگاه ملی ایران
۱۶. محمدی، علی، 1368، **شرح اصول استنباط**، دار الفکر، قم، چاپ سوم.
۱۷. معتمد، محمدعلی، ۱۳۵۱، **حقوق جزای عموی ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب:منابع عربی

۱۸. ابن حزم، علی، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۷ م، **الاحکام**، دار الاحیاءالتراث العربی، بیروت.
۱۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۶، **لسان العرب**، دار الاحیاء التراث، بیروت.
۲۰. انصاری، مرتضی، ۱۴۲۹، **رسائل**، نشر دار الاحیاء التراث، بیروت.
۲۱. بجنوردی، محمدحسن، ۱۳۸۹، **قواعد الفقهیه**، تحقیق: مهدی مهریزی، محمد حسین درایتی، قم، نشر هادی، چاپ نخست.
۲۲. ترمذی، محمدبن عیسی، ۱۴۰۳، **سنن‌الترمذی**، بیروت.
۲۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۸، **وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه**، چ ۳، بیروت، انتشارات داراحیاء التراث العربی.
۲۴. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، **تنقیح العروه الوثقی**، نشر لطفی، قم.
۲۵. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۳۸۸،**تاج العروس من جواهر القاموس**، نشر موسسه تحقیقات، قم.
۲۶. صدر، محمد باقر، ۱۴۲۶،**دروس فی علم الاصول**، مؤسسةالنشرالاسلامی التابعة لجماعةالمدرسین، قم، چاپ هفتم.
۲۷. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۰، **خصال شیخ صدوق**، نشر کتابچی.
۲۸. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۲، **مجمع البحرین**، قم، مؤسسه دار الکتاب، چاپ دوم
۲۹. عوده، عبدالقادر، ۱۳۷۳، «**حقوق جنایی اسلام**»، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۱.
۳۰. کرکی، علی بن حسین، ۱۴۱۱، **جامع المقاصد**، نشر دار الکتب الاسلامیه، بیروت.
۳۱. مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۶ ق/۱۹۶۷، **اصول الفقه**، نشر مدینه العلم، قم.

۳۲. نجفی، محمد حسن بن باقر، ۱۹۸۱، **جواهرالکلام فی شرح شرائع‌الاسلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۷.

ج: منابع لاتین :

۳۳. شبث، ویلیام، ۱۳۸۴، **مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین المللی**، مترجم: سید باقر میر عباسی و حمید الهویی، تهران، انتشارات جنگل

۳۴. گیتی شیایزری، کریانگساک؛ ۱۳۸۳، **حقوق بین الملل کیفری**، مترجم: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت